

بیانیه شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

در اعتراض به حکم قضایی علیه محمد حبیبی

نود روز از بازداشت غیرقانونی و همراه با خشونت محمد حبیبی، عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان استان تهران می گذرد. بازداشتی که بهت و حیرت جامعه و معلمان را در پی داشت و وجدان های بیدار یکی پس از دیگری این حرکت غیرقانونی را محکوم نمودند.

از روز بیستم اردیبهشت ماه و از نحوه بازداشت و سیر پرونده تا مکان بازداشت و نگهداری محمد حبیبی، مشخص بود که اراده ای فراقانونی می خواهد روند دادرسی را بصورت غیرقانونی بر این معلم زندانی تحمیل کند. فک وثیقه و درخواست انتقال وی به صورت غیرقانونی به زندان تهران بزرگ توسط ضابط قضایی، اطلاعات سپاه، نمونه های نقض دادرسی عادلانه است و در تضاد آشکار با حقوق متهم است. اما این تمام ماجرا نیست. ممانعت از درمان و عدم برخورداری از خدمات پزشکی ضروری و وضعیت اسفناک زندان تهران بزرگ بعد دیگری از فاجعه ای است که ممکن است در صورت ادامه روند کنونی رخ دهد.

بنا بر اطلاع موثق شورای هماهنگی در طی این سه ماه خانواده این معلم زندانی در کنار وکلای پرونده از هیچ تلاش و کوششی برای احقاق حقوق آقای حبیبی کوتاهی نکرده اند و از طریق دیدار حضوری و نامه نگاری پیگیر وضعیت بغرنج وی بوده اند به طوری که می توان با اطمینان گفت در بالاترین سطح، مسئولان کشور از وضعیت اسفناک وی مطلع هستند و می دانند که چگونه جامعه فرهنگیان ایران بخاطر این مسئله ملتهد و در نگرانی به سر می برد. اما با وجود این طی روزهای گذشته شاهد بودیم که قاضی احمدزاده، قاضی شعبه 26 دادگاه انقلاب، در حکمی بی سابقه و سراسر ظالمانه این معلم متعهد را به ده و نیم سال زندان، 2 سال محرومیت از فعالیت های اجتماعی، دو سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم نمود و 74 ضربه شلاق بر این حکم افزود تا تشدید مجازاتش کامل گردد.

گویی قاضی این حکم را صادر نموده که به جامعه هشدار دهد که اگر کسی دنبال حق و عدالت باشد نصیبش زندان و شلاق است و به مردم ستمدیده و عاصی بخاطر فساد و گرانی بگوید ما با دزدان و اختلاسگران کاری نداریم و تنها به دنبال به حبس کشیدن انسان های آزادی خواه و عدالت طلب به ویژه معلمان هستیم.

از نظر ما موارد نقض دادرسی عادلانه در این پرونده به حدی آشکار است که بررسی روند دادرسی پرونده محمد حبیبی می تواند میزان و سنجه مناسبی برای ارزیابی عدالت قضایی باشد و از حقوق دانان مستقل می خواهیم این موضوع را مورد بررسی و واکاوی انتقادی دهند شاید دستگاه قضایی برای پرسش های معلمان ایران پاسخی داشته باشد.

ما می خواهیم بدانیم ضابط قضایی به اتکای کدام مستند برای دستبند زدن بر محمد حبیبی، کُلت بر شقیقه او گذاشت؟

ما می خواهیم بدانیم با کدام مجوز لباس شخصی ها بعد از ضرب و جرح، محمد حبیبی را بر روی آسفالت کشیدند؟

ما می خواهیم بدانیم بازپرس چگونه و بر مبنای کدام مستند ابتدا برای وی وثیقه تعیین نمود و سپس آن را رد و پرونده را به دادگاه فرستاد؟

ما می خواهیم بدانیم قاضی پرونده بر چه مبنای وثیقه را فک و وی را به زندان تهران بزرگ منتقل نمود؟

ما می خواهیم بدانیم علی رغم تایید پزشک قانونی، چرا محمد حبیبی برای درمان به خارج از زندان منتقل نمی گردد؟

اینها پرسش هایی است که در ذهن اکثر معلمان مبهم و بدون پاسخ مانده است و اینک پرسش نهایی ما این است که قاضی چرا و چگونه با توجه به اتهامات منتسب حکم خود را تشدید نموده است؟ و به بالاترین حد هر اتهام (یعنی 5 سال بخاطر اجتماع و تباہی، یک سال بخاطر تبلیغ علیه نظام، یک سال بخاطر اخلال در نظم عمومی) نیز راضی نشده و آن را یک برابر و نیم تشدید نموده است تا محمد حبیبی به ده سال و نیم محکوم گردد بطوری که حتی اگر ماده 134 نیز در مورد وی اعمال شود این معلم زندانی به هفت سال و نیم زندان محکوم خواهد شد.

واعجابا!!! از این همه عداوت و کینه با کسانی که مسئولیت تربیت کودکان را بر عهده دارند!!!!

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ضمن اعتراض شدید به حکم صادر شده خواهان آن است که بدون پیش شرط و فوری، زمینه های صدور وثیقه و آزادی محمد حبیبی تا زمان رسیدگی پرونده در دادگاه تجدید نظر فراهم شود. جامعه فرهنگیان اساساً اتهام انتسابی به فعالان در بند را قبول ندارد و خواهان تبرئه آقای حبیبی در دادگاه تجدیدنظر است. ما معتقدیم زندانی کردن فعالان صنفی مصداق بارز امنیتی کردن فعالیت مدنی است و فضای امنیتی صحبت از حل مشکلات آموزشی و شروع سال تحصیلی جدید در مهر ماه با وجود معلمان زندانی بحثی عبث و بیهوده است و فعالان صنفی مهتری را که در آن همکاران در بند و زندان هستند دیگرگونه آغاز خواهند نمود.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

16 مرداد 1397

.....
بیانیه انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی

در محکومیت حکم بدوی زندان محمد حبیبی معلم بازداشتی

(بنام خداوند جان و خرد))

با نگاهی به حکم بدوی قاضی احمدزاده به معلم عدالت خواه و کنشگر صنفی #محمد_حبیبی آیا میتوان گفت دستگاه قضا #عادل است و بیطرف؟!؟

دستگاه قضا از نامش پیداست که محل رفع و رجوع اختلافات است اما بر چه اساس!!
بی شک با هرکس بنشیننی و ساده بررسی که عادل ترین افراد جایشان کجاست؟!، نشانت میدهند در دادگاه؛ چرا که کارشان قضاوت بین دوطرف دعواست و اگر قاضی عادل نباشد، به هر دلیل، به قول قدما سنگ روی سنگ بند نمی آید!!

محمد حبیبی دبیر، عضو کانون صنفی معلمان تهران، عضو شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران تنها گنااهش درین جامعه این بوده و هست که:
از تبعیض بیزارست!
از ظلم منجر است!
با دیدن کودکان کار تب میکند!
از دیدن فقر دردمش میگیرد!
از کم کاری و دزدی نقد میکند!
.....

حال روی سخن ما با شما خوانندگان گرامیست؛
_ آیا چنین فردی میتواند برای #امنیت_کشور خطرناک باشد؟
_ آیا این شخص با این وصف باعث #تشویش_ذهن شما میشود؟
_ آیا اگر اینگونه افراد منتقد جایی گرد هم آیند برای انتقاد و اعتراض به وضعیت بحرانی جامعه، آنهم مربوط به صنف خویش، #نظم_جامعه شما را برهم میزنند؟!
بی شک همه ما پاسخ این پرسشها را نیک میدانیم همچنانکه دلیل برخورد ظالمانه قاضی پرونده و دیگر دست اندرکاران پرونده را نیز میفهمیم.

انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی به شدت برخوردهایی قهری ازین دست، با کنشگران صنفی فرهنگی مدنی را محکوم میکند و از دست اندرکاران امنیت جامعه و بویژه دستگاه قضایی میخواهد که درین گونه رفتارهای چندگانه خویش تجدید نظر نمایند.
یقیناً صدور این احکام سراسر ظلم و ناعادلانه بیشتر ذهن عموم جامعه بویژه جامعه دردمند و ملتهب فرهنگیان را مشوش میکند تا انتقاد و اعتراض کنشگران صنفی فرهنگی.

محمد حبیبی در حکم بدوی توسط قاضی احمدزاده، قاضی شعبه 26 دادگاه انقلاب، در حکمی بی سابقه و سراسر ظالمانه، به ده و نیم سال زندان، 2 سال محرومیت از فعالیت های اجتماعی، دو سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شده است و 74 ضربه شلاق نیز چاشنی حکم گشته است.

اینگونه احکام نه تنها عزت و اقتدار و احساس جامعه ی فرهنگی ایران را زیر سوال میبرد، بلکه با رسالت، حیثیت و ابروی دستگاه قضایی کشور نیز در ستیز است و اعتماد آحاد جامعه را نسبت به دستگاههای امنیتی، قضایی مربوطه سلب میکند.

ازینرو براساس وظیفه ذاتی انسانی و تعهد اخلاقی که به تشکل خویش و جامعه ی فرهنگیان داده ایم، اعتراض خویش را به نمایندگی از طیف وسیعی از فرهنگیان نسبت به برخورد های قهری با جامعه ی کنشگر فرهنگیان اعلام میداریم و درخواست لغو این حکم وحشتناک را داریم، همچنین خواهان آزادی دیگر کنشگران صنفی فرهنگی از جمله **محمودبهشتی لنگرودی و اسماعیل عبدی** میباشیم.

مهر نزدیکست و مهربانی لازم، اما باتداوم اینگونه نگاهها و ادامه اینچنین تبعیضها در منتهای بی مهری، مهری نامهربان را تجربه خواهیم کرد.

امیدواریم مسولین امر به اندازه ی **حبیبی ها ، عبدی ها، بهشتی ها، اسدی ها** و... دلسوز جامعه خویش باشند که اگر بودند روزگار ما نه این بود!!

16 مردادماه 1397

انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی

.....